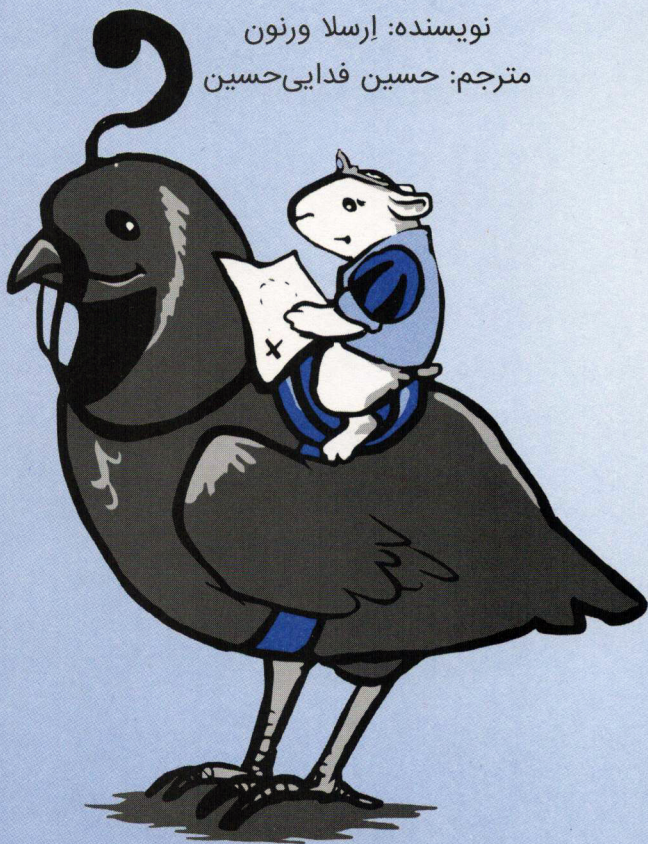


شاهزاده خانم همسین

نویسنده: ارسلا ورنون
مترجم: حسین فدایی حسین



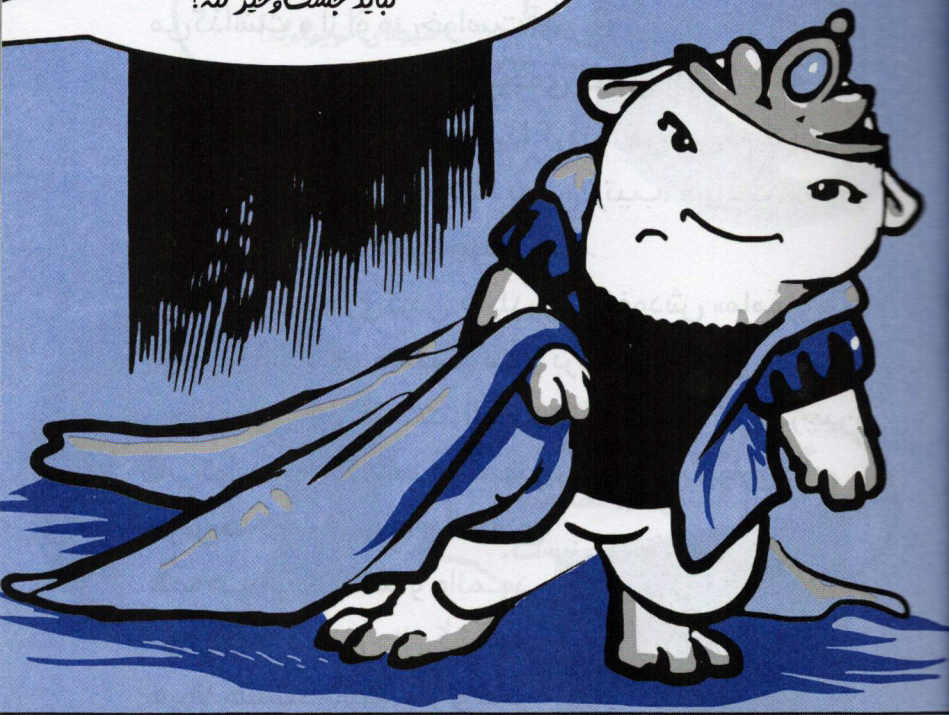
فصل ۱

روزی روزگاری در سرزمینی دور، شاهزاده‌خانم زیبایی به اسم «هرییت همستربون» زندگی می‌کرد. همان طور که از اسم شاهزاده‌خانم پیداست، او یک همستر یا موش بزرگ بود.



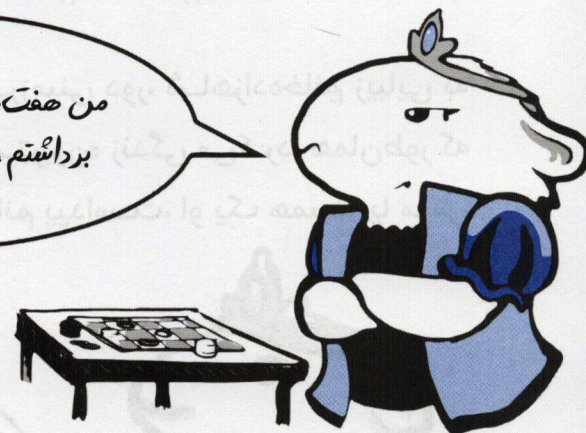
باور کنین، به‌عنوان یه
موش، من خیلی موجود
جذابی‌ام!

به شاهزاده‌ی افسرده و غمگین که
نباید جست و خیز کند!



او شجاع و باهوش بود و در انجام کارهایی مثل بازی با
مهره و محاسبات ریاضی، مهارت داشت.

من هفت هشت تا از مهره‌های تو رو
برداشتم، نمی‌خوای تسلیم بشی؟



اتفاقاً من وقتی که غمگین و
ناراحتم، بالا و پایین می‌پریم.
دلیل ناراحتی من اینه که هیشکی
به حرفم گوش نمی‌کنه.



اخلاق و رفتار او هیچ شباهتی به شاهزاده‌ها نداشت؛ مدام
در اطراف قصر این‌طرف و آن‌طرف می‌پرید و سروصدا
می‌کرد. به خاطر همین، پدر و مادرش برای حل مشکل او
یک معلم اخلاق استخدام کرده بودند.